

## برای پاسداری از خصلت توده ای کفدراسیون

کفدراسیون دانشجویان ایرانی یک سازمان توده‌ای است و براین اساس منافع حقوق و منافع صنفی کلیه دانشجویان است که کفدراسیون در عین حال بخش از جنبش ملی و مردم-کراتیک میهن ما است که از مبارزات خلق ایران علیه دشمنان آزادی و استقلال و ترقی میهن ما پشتیبانی میکند. از اینرو است که فعالیت کفدراسیون به مبارزات صنفی محدود نمی‌شود و مبارزات سیاسی را هم در بر میگیرد. اما آنچه در این میان باید بطور عمده مورد توجه قرار گیرد خصلت توده‌های کفدراسیون است.

نیروی کفدراسیون در توده های مشغول در آن است. هر اندازه توده‌های بیشتری از دانشجویان در کفدراسیون شرکت جویند، هر اندازه دامنه مبارزه وسیع‌تر باشد، مبارزات کفدراسیون بدون شک مؤثرتر خواهد بود.

در آمیختن مبارزات سیاسی و صنفی باید آنچنان سنجیده صورت گیرد که خصلت توده‌های کفدراسیون لطمه‌ای وارد نگردد. شعارها و رهنمودهای سیاسی باید بقسمی انتخاب شود که مورد اشریت دانشجویان و یا پس از بحث و اقیاع برای توده دانشجویان بفرقی نباشد. در غیر اینصورت بخشی از دانشجویان از آنها تبعیت نخواهند کرد و مبارزه کفدراسیون در تحقق آنها جامه عمل نخواهد پوشید و یا نتایج مطلوب ببار نخواهد آورد. رفیق ماژوسه در «میاموز» بین ماجراجویی است اگر وقتیکه توده‌ها هنوز آگاه نشده‌اند ما به تعرض دست زنییم. چنانچه ما در رهبری توده‌ها، در کاریکه مخالفان را در آنها است اصرار ورزیم سرانجام با شکست روبرو خواهیم شد. اینها حقایق مسلم و انکارناپذیر است. پیروی از آنها ضامن بقا و ادامه مبارزه شریک کفدراسیون است. معدن کسانیکه و بیگانه بمنظور پستی بردن مقاصد سیاسی و گروهی خود هر مسئله‌ای را که رای آنها بر آن تعلق میگیرد و بهر شیوه و

بیانی که خود درست تشخیص میدهد در سازمانهای کفدراسیون سیرن طرح می‌شوند و با اصرار می‌خواهند نظر خود را بر سه سازمانها تحمیل کنند. اینها گریباید و نشه اساسی توجه ندارند یا شاید مقاصد گروهی و سیاسی آنها حکم می‌شود که توجه نداشته باشند:

۱- نخست آنکه در کفدراسیون، دانشجویان (صرف نظر از آن معدودی که موضع طبقاتی آنها موضع دشمنان خلق بلی است) با عقاید مسلکی و سیاسی مختلفی شرکت می‌جویند و هیچ گروهی نمیتواند و نباید بهیچ عنوانی عقاید و نظریات خود را بدیکران تحمیل کند. طرح عقاید مسلکی و نظریات سیاسی خاص را در کفدراسیون به بحثهای زیانبخش و بی سرانجام میکشاند و بجای آنکه وحدت دانشجویان را در کفدراسیون تقویت کند بجای آنرا سست و متزلزل می‌سازد و چنین امری نمیتواند به هدفهای کفدراسیون لطمه نزند.

هر حزب، سازمان یا گروه سیاسی حق دارد ایدئولوژی و سیاست طبقاتی خود را بهر طریقی که صلاح میبیند متلازم طریق ارگانهای تبلیغاتی خود، اعضای خود یا تشکیلات محافل و مجامعی از دانشجویان بیان توده دانشجویان ببرد و تبلیغ کند و دانشجویان را به پذیرفتن آنها فرا خواند. ولی طرح این مسائل در سازمانها و ارگانهای کفدراسیون، آنهم بر طبق اصول جهان بینی خود، در انطباق با ماهیت کفدراسیون و خصلت توده‌های آن نیست و هم‌اکنون آثار سوء و زیانبخش آن در کفدراسیون محسوس است.

گاهی این تهمه سروده میشود که اکنون کفدراسیون در دست عناصر "چپ" است و اینها حق دارند شعارها و نظریات خود را مطرح سازند، چنانکه در سابق جبهه ملی که زمام امور کفدراسیون را در دست داشت همین شیوه را اعمال میکرد و شعارها و نظریات خود را از بین میبرد. بقیه در ص ۳

## دودسیسه

سرکرده روزیونیستهای شوروی بر طرف در کفدراسیون احزاب روزیونیست طرح "امنیت جمعی در آسیا" را پیشنهاد کرده و خادم شماره ۱ امپریالیستها در ایران، محمد رضاشاه، در مصاحبه با خبرنگار واشنگتن پست اظهار داشت که ایران طرح یک پیمان نظامی را به کشورهای منطقه خلیج فارس پیشنهاد خواهد کرد.

طرح اول بر ضد جمهوری توده‌های چین و طرح دوم بر ضد نهضت ملی و ضد امپریالیستی خلقهای خاورمیانه است. همه میدانند که در آسیا و در سراسر کتی آنکه برهم زن امنیت است امپریالیسم آمریکا است و روزیونیسم شوروی که اساس سیاست خارجییش دوستی بی‌مکارانه با این امپریالیسم و تقسیم مجدد جهان است نمیتواند در اندیشه "امنیت جمعی در آسیا" باشد. امنیت جمعی خلقهای آسیا فقط با کویپسیدن امپریالیسم و روزیونیسم تأمین خواهد شد. حقیقت اینست که آنچه روزیونیستهای شوروی بنام "امنیت جمعی در آسیا" مطرح میکنند جز اتحاد کلیه نیروهای ارتجاعی آسیا در زیر قیادت امپریالیسم آمریکا و روزیونیسم شوروی، جز محاصره جمهوری توده‌های چین و این دو نیرومند سوسیالیسم هدف دیگری ندارد. نکته‌ای که امروز روزیونیستهای شوروی بر ضد جمهوری توده‌های چین مطرح میکنند نشه درینهای است که پس از انقلاب لیر انگیر تا آنکه که کشور شوروی برهبری لنین و استالین براه انقلاب پرولتری رهسپار و به اصل انترناسیونالیسم پرولتری وفادار بود امپریالیستها بر ضد وی عمل میکردند.

پنج سال پیش محمد رضاشاه در دانشگاه کالیفرنیا با الحسام از خداوند گاران آمریکایی خود چنین گفت: "بمنظر من آنچه که صلح جهانی را تهدید میکند شوروی نیست که از شمال بسا کشور من مرزهای مشترک دارد بلکه خطر اصلی چین کمونیست است" (جهان ۱۳ خرداد ۱۳۴۳) و اینک روزیونیستهای شوروی بهمد استانی با امپریالیستهای آمریکایی میشوند تا در آسیا امپریالیسم را بین و بورژوازی هند و حکومت‌های مرتجع دیگری نظیر حکومت محمد رضاشاه با بهم پیوند دهند و از آنها زنجیری برای جمهوری توده‌های چین بسازند.

ولی جمهوری توده‌های چین که هفتصد ملیون انسان مسلح بیاندیشه ظفر بخش مائوسه درون و طبقه کارگر جهانی مسلح به انترناسیونالیسم پرولتری و خلقهای شیفته آزادی و سوسیالیسم به پاسداری آن ایستاده‌اند با هیچ نیروی تسخیریندیزینست و امواج انقلابی آنرا که بسراسر جهان میرسد با هیچ سدی نمیتوان جلو گرفت.

همچنان که بر طرف در پیشنهاد طرح امنیت جمعی در آسیا در واقع سخنگو روزیونیسم شوروی و امپریالیسم آمریکا است. شتکان آنهاست محمد رضاشاه هم در پیشنهاد طرح پیمان نظامی کشورهای منطقه خلیج فارس سخنگوی همین محافل است. طرح دوگانه آنها نشه و اخذ هدف همگون دارد. محمد رضاشاه میخواهد با اعتماد چنین پیمانی نیروی نظامی کلیه شیخ نشینها و دول مرتجع اطراف خلیج را بطور عام بر ضد نهضت‌های ضد امپریالیستی خاورمیانه و بطور خاص بر ضد نهضت خلقهای عرب متمرکز گرداند. او زمین بوس امپریالیسم آمریکا است. دوست محترم روزیونیسم شوروی است. از امپریالیسم آمریکا "رهبر ملت ایران" و از روزیونیسم شوروی "رهبر عالیقدر ملت ایران" لقب گرفته است. از امپریالیسم آمریکا نقد بر میشود. از روزیونیسم شوروی تعلق میشود. از هر دو جانب مسلحه میگردد. پس چه کسی بهتر از او بقیه در ص ۲

## روزیونیستها وراه قهرآمیز

روزگاری بود که روزیونیستهای حزب توده ایران از نفی مطلق راه قهرآمیز انقلاب در شرایط کنونی کشور ما بهره‌برداری داشتند و حتی یک بار نوشتند که در شرایط کنونی از بین دو راه تکامل راه روزیونیست‌ها برحسبک بیشتر کسب میکند. (مجله دنیا سال ۱۳ شماره ۱ صفحه ۱۶)

ولی مبارزات سازمان توفان روزیونیستها را بدانجا کشانید که از برده بدر آیند و خود را بیکاره آنچنانکه هستند بنمایند. امروز روزیونیستها چنین تبلیغ میکنند که اصولاً "راه و شکل انقلاب" یعنی مسالمت آمیز یا غیر مسالمت آمیز بودن آن (را در شرایط کنونی و پیش از پیدایش "وضع انقلابی" نمیتوان تعیین کرد). بعقیده آنها ما باید در انتظار بمانیم در باره اینکه انقلاب آینده ایران مسالمت آمیز یا غیر مسالمت آمیز خواهد بود. تصمیمی نگیریم تا هنگام بوجود آمدن وضع انقلابی، شکل انقلاب را معین کنیم" (گفتار پیک ایران در ۲۴ مارس ۱۹۶۹). روزیونیستها از این هم صریح‌تر سخن گفته مدعی میشوند که اصولاً راه و شکل انقلاب یعنی مسالمت آمیز یا غیر مسالمت آمیز بودن آن "جنبه فرضی دارد" (همان گفتار پیک ایران).

روزیونیستهای حزب توده ایران بهیچانی از اثر معروف لنین در باره "وظائف سوسیال دموکراتهای روس" توسل می‌جویند. این اثر را لنین در ۱۹۰۷ برای تدارک زمینه تشکیل "حزب کارگری سوسیال دموکرات" و بمنظور نشان دادن لزوم تلفیق فعالیت سوسیالیستی با فعالیت دموکراتیک و بر ضد هواداران سنن کسسه بکار توده‌های ارتش نمی‌بندد و بر "موظف‌گری" افراد زنده تکیه میکند. نگاشته است. لنین به کسانی که "موظف‌گری" را در درجه اول اهمیت قرار میدهند حمله میکند و تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر فعالیت سوسیال دموکراسی را در درجه اول

## استخوان بیاد دولت انقلابی موقت و بیست‌ساله جنوبی

نمودار جعل و تحریف بقیه از من؟ دیگری دست زدمانده است! استادانتر است. در اینجا من را تغییر نداده اند بلکه جملات قبل و بعد آنرا که فاش کننده ماهیت روزیونیستهای حزب توده ایران است و من مذکور فقط در ارتباط با آنها قابل درک است حذف نمودند. حالا این حدت را چسورا به روزیونیستهای انجام داده اند مطلب دیگری است. بهرحال در صفحه ۹۹ نوشته اند: "راجع به جبهه متحد، آنها (یعنی سازمان توفان) خیلی سخن پرانگی میکنند ولی دیدشان همان دید ساخت و پاخت با احزاب و دسته های بورژوازی و خرده بورژوازی است. . . زمانی که آنها بطور مشخص از تشکیل جبهه واحد صحبت میکنند این دید بروشنی معلوم میشود. . . سوسیالیستهای ادعای خود این جمله منفرد را از رساله "روزیونیسم" شاهد میآورند که گفته است: "روشن است که هژمونی پرولتاریا شرط جبهه واحد نیست" و آنگاه فریاد برمیکنند که "معلوم نیست که با جبهه واحدی که در آن هژمونی پرولتاریا تأمین نیست چگونه میتوان انقلابی را انجام داد".

برای افشا این تحریف "زیرکانه" رساله "روزیونیسم" مراجعه میکنیم. در آنجا در صفحه ۹۵ با روزیونیستهای حزب توده ایران مواجه میشود و گفته میشود که اینان گاهی هم "بخطرات یافتن بهانه برای اعتراض از سرکردگی طبقه کارگر" باین "ایده" مضحک "متمول میشوند که حزب روزیونیستهای نیز سرکردگی طبقه کارگر اضافه دارد. ولی شرط تشکیل جبهه ملی را در این مرحله از انقلاب، سرکردگی طبقه کارگر قرار نمیدهد". آنگاه رساله در رد این "ایده مضحک" میگوید:

پیوند با توده ها بقیه از من؟ یا توده ها شرط لازم برای احیاء حزب باشد. اما پیوند با توده ها را با چه مقیاسی میتوان سنجید؟ در چه درجه ای از پیوند با توده ها شرط لازم برای احیاء (یا ایجاد) حزب فراهم میآید؟ روشن است که هیچ مقیاسی که خصلت عینی داشته باشد نمیتوان یافت. و این ملاک صرفاً جزییه ذهنی بخود میگیرد. همیشه میتوان گفت که این یا آن درجه از پیوند با توده ها برای احیاء حزب کافی است یا کافی نیست. این شیوه برخورد به رابطه حزب و پیوند با توده ها عملاً مانعی است در راه احیاء حزب طبقه کارگر در ایران و بسود روزیونیستهای ایرانی است که میخواهند خود را همچنان بنحای حزب طبقه کارگر جا بزنند.

اما احیاء حزب طبقه کارگر، یک ضرورت اجتماع ماست و هرگونه تریک و تلاش روزیونیستها و مأموران آنها سأمورای کسه از چپ آواز میدهند. در جلوگیری از این امر پناگامی خواهند انجامید.

### علیه لیبرالیسم

... در تشکلات انقلابی که بر بنیاد کار دسمجمی استوار است، لیبرالیسم پدیده ای است بسیار زاینش. لیبرالیسم منزله خورباست که یکبارگی و دمیت را متزلزل نمیداد، پیوندها با میگسد و کار را دچار رکود میکند و موجب بروز مشابرات میگردد. لیبرالیسم براد دهنده انتضاط و تشکلات محکم نیروهای انقلابی است و مانع اجرای کامل خط سنی سیاسی آنها است و بلاشهره منجر به دور شدن تشکلات حزبی از توده های تحت رهبری حزب میگردد. این گرایش فوق العاده زبانه خنثی است...

لیبرالیستها اصول مارکسیسم بدیده دکمای خشک و تجردی میگردند. آنها به مارکسیسم معتقدند، ولی خود را ملزم نمیدانند آنرا بهرحله عمل در آورند، با آنرا تماماً و کلاً پذیرفته طبق آن عمل نمایند، حتی کوشش نمیکند مارکسیسم را جایگزین لیبرالیسم خود سازند. این اشخاص دوسره بار میکنند یعنی هم مارکسیست و هم لیبرالیست هستند: از مارکسیسم دم میزنند و بدلیبرالیسم عمل میکنند. برای دیگران مارکسیستند، ولی برای خود لیبرالند. در اینان آنها هم این و هم آن موجود است و هر کدام مورد اعتماد و پوزای دارد، این است ایدئولوژی که بعضی از اشخاص...

### ماتو تسه دون

"بهانه کودگانه ای است. مثل اینکه در تاریخ احزاب و جبهه ها سایه دارند که برای تدوین برنامه مشترک، احزاب سرکردگی این یا آن سازمان، این یا آن طبقه را شرط قرار دهند. احزاب سرکردگی فقط در عمل انقلابی امان پذیر است. اگر حزب طبقه کارگر نتواند در پرتاب انقلابی سرکردگی این طبقه تحقق بخشد سرکردگی بدست دیگران خواهد افتاد ولو آنکه قلاً بر سر آن توافق شده باشد. سرکردگی طبقه کارگر را شرط تشکیل جبهه واحد ملی قرار دادن در نزد مارکسیستها - لنینیستها مطلقاً مطرح نیست و نمیتواند باشد. اما اعتراض از مبارزه طبقه کارگر بخاطر احزاب سرکردگی انقلاب نیز مطلقاً مطرح نیست و نمیتواند باشد".

و چند سطر پایین تر: "شور ما در مرحله انقلاب ملسی و دموکراتیک سرکردگی طبقه کارگر است. این حکم تاریخ است ولو اینکه عده ای را ناخوش آید".

مطلب واضح است: اپوزیونیستهای چپ، منظره سازمان توفان را بر ضد روزیونیستهای ایرانی - که میخواهند سرکردگی طبقه کارگر را به بهانه های کونا کون بر طاق نمایان بگذارند - با تلافی زیاد تحریف کرده اند تا هم سازمان توفان را مورد اتهام قرار دهند و هم روزیونیستها را تبرئه کنند.

رساله "روزیونیسم" گفته است: "طبقه مارکسیست - لنینیست ها اینست که... توضیح دهند که دهقانان فقط از دست طبقه کارگر میتوانند بر یکان زمین درآفکنند. (ص ۹۹) اپوزیونیستهای چپ با نقل این جمله فریاد میزنند که "این تعبیر فکودال - خرده بورژوازی از انقلاب ارضی است که تحت رهبری پرولتاریا انجام میگردد" (ص ۱۸۱).

آقایان توجه نداشته اند که این جمله آنها مستقیماً بر مارکسیست - لنینیست بزرگی چون استالین ضربه است. زیرا که زمین گرفتن دهقانان "از دست طبقه کارگر" تعبیر اوست. در رساله "راجع به اصول لنینیسم" میگوید: "باید دهقانان اتحاد شوروی را با دهقانان غرب مخلوط نمود، دهقانانی که مدرسه سه انقلاب را طی کرده و بر ضد تزار و حکمران بورژوازی بمعیت پرولتاریا و تحت رهبری وی بیکار نموده اند، دهقانانی که زمین و صلح را از دست انقلاب پرولتاریائی در قبا کرده و در نتیجه نیروی ذخیره پرولتاریا شده اند. چنین دهقانانی ممکن نیست با دهقانانی که در موقع انقلاب بورژوازی تحت ریاست بورژوازی لیبرال مبارزه کرده و از دست این بورژوازی زمین دریافت نمودند و بهمین سبب هم از دستن ذخیره آن شده اند تفاوت نداشته باشند." (مسائل لنینیسم - چاپ فارسی ص ۷۹).

اپوزیونیستهای چپ در جای دیگر به تحریف معنوی نوشته های از روزنامه توفان دست زدند. به عقیده آنها روزنامه توفان که شرات کار و کوشش و علاقه اعضای سازمان را مایه افتخار آنها دانسته "فخر فروشی کرده"، "غرور" بخرج داده و "منفعت شخصی" را تشویق کرده است.

اگر با همین منطقی متذلل تفاوت کنیم آنگاه لنین که میگوید "ما افتخار میکنیم که طبقه کارگر و لیگاریس در سال ۱۹۰۵ و حزب انقلابی نیرومند توده ها را بوجود آورد... از حسن فرور ملی سزنا ریم زیرا ملت ولیگاریس نیز یک طبقه انقلابی بوجود آورد" (منتخبات جگ و قسمت ۲ "در باره غرور ملی ولیگاریس ها") "فخر فروشی کرده"، "غرور" بخرج داده و "منفعت شخصی" را تشویق کرده است.

و اگر استالین میگوید: "ما گونبیت ها کسان هستیم که سپاه سردار بزرگ پرولتاریا، سپاه رفیق لنین را تشکیل میدهم و هیچ افتخاری بالاتر از تحلق به این سپاه نیست" همین "گناه خرده بورژوازی" را مرتکب شده است.

علی رغم این جنجالها ما اعضای ساده سازمان توفان افتخار میکنیم که پریم مبارزه بر ضد روزیونیسم و اپوزیونیسم چپ را راست را درست داریم. با افتخار میکنیم که از سبازان سپاه عظیمی هستیم که در زیر درفش ظفر بخش اندیشمندان مائوسه ون که مارکسیسم - لنینیسم عصر ماست در راه پیروزی پرولتاریا و خلقهای جهان پیگار میکنیم.

برای پاسداری از خصلت... بقیه از من؟ استدلال عبیسی است! چون دیگری راه ناصواب میباید من نیز بچنین راهی میروم! اگر در این "استدلال" پیگیر باشیم چه اعمال نسا صوابی که از ما سر نخواهد زد! در واقع صحیح آن بسود ده در همان موقع جبهه ملی بنحایت شیوه کارش مورد انتقاد قرار میگرفت و براه راست دعوت میشد. نه آنکه امروز همان شیوه غلط اعمال گردد به بهانه اینکه در روز جبهه ملی بدان توسل جسته است. این عناصر "چپ" در عین حال بر آنند که کسانیکه با نظریات آنها روی موافقت ندارند میتوانند از شکر راسیون نگار بیروند. اگر چنین نیتی جاهه عمل بیوشد کفدر راسیون دانشجویان ایرانی که باید بتواند اشرف (اگرچه تمام) دانشجویان را در برگیرد به محفل اقلیت "آرگانکار" تبدیل میشود که آنها به یقین دیری نخواهد پایید. این آقایان خواسته یا ناخواسته دانسته یا نادانسته در جهت تلاش کفدر راسیون کام بر میدارند. در جهتی کام بر میدارند که بسود اقلیت حاکمیده ضد ملی و ضد دموکراتیک میهن ما و هواداران بیگانه و خودی آنست.

سازمان ما با چنین شیوه کاری در روی کفدر راسیون نمیتواند موافقت شد و در برابر آن خواهد ایستاد. سازمان ما اطمینان دارد که اعضای کفدر راسیون و تمام نیروهای ملی و انقلابی متذلل در آن نیز با چنین سبک کاری بمقاومت برخوانند. و امان نخواهند داد به دانشجویان ایرانی از سازمان نیرو - مندیه ملی سالهای اخیر در دفاع از حقوق و منافع آنان، در پشتیبانی از نهضت ملی و دموکراتیک ایران نقش برجسته و شایان تحسینی بازی کرده محروم گردند.

۳- دوم آنکه کفدر راسیون دانشجویان یک سازمان توده ای است که در چه آگاهی سیاسی تمام اعضای آن یک انداز نیست. درست است که در سالهای اخیر در اثر کار مداوم کفدر راسیون و مبارزات صنفی و سیاسی آن، بر اثر کار و کوشش دانشجویان آگاه و پیشرو سطح آگاهی دانشجویان پیوسته بالا رفته و میروند ولی این هنوز به آن معنی نیست که تمام اعضای کفدر راسیون از لحاظ آگاهی که از لحاظ درک مسائل سیاسی و اجتماعی در سطح واحدی قرار دارند، ما همه مسائل را یک نوع تحلیل میکنند، یکسان میفهمند و به نتیجه واحدی میرسند. عناصر آگاه و پیشرو سازمانهای دانشجویی رطبه دارند از مسگ به دانشجویان، بویژه به آنها که بنارگی ایران را ترک گفته، بنارگی به کفدر راسیون پیوسته اند بحاطر ارتقاء سطح آگاهی آنان از هیچ کوشش فرونگذارند. اما کسانی پیدا میشوند که به محض تفاوت در امری چنین میاندیشند که همه دانشجویان باید آن امر را بهمان قسم بفهمند که آنها میفهمند. همانطور تحلیل کنند که آنها تحلیل میکنند، بهمان شیوه ای بیان دارند که آنها بیان میدارند و اگر کسی چنین نکرده گویا جایز در گفته - راسیون نیست. آنها فراموش میکنند که در سازمان توده ای باید از روش افتخار مد گرفت، با صبر و حوصله موضوع را برای دانشجویان بیان شکافت و توضیح داد، آنها را به صحت آن امر قانع کرد. در چنین صورتی است که میتوان وحدت کفدر راسیون را حفظ کرد و به آن استحکام بخشید.

تذیه را بر روی اقلیت گذاشتن و اکثریت را نادیده انگاشتن مسائلی را که در انطباق با ماهیت کفدر راسیون و حصلت توده ای آن نیست به پیش کشیدن، برای کفدر راسیون جز زیان در بر ندارد و باید از آن دوری جست. در کار کفدر راسیون هیچگاه این آموزش مائوسه ون را از یاد نبرد: "ما باید در رکنیک جنبشهای توده ای تحقیق و تحلیلی اساسی از پشتیبانان فعال، از مخالفان و بیطرفها بعمل آوریم: ما نباید درباره مسائل بطور ذهنی و بدون اساس تصمیم بگیریم". اینست آنچه که عناصر آگاه و پیشرو و رهبران سازمانهای دانشجویی و رهبران کفدر راسیون باید پیوسته در مد نظر داشته باشند.

عنوان جدید مکتوبات: X GIOVANNA GRONDA 24030 VILLA D'ADDA/ITALY

حساب پسانکی: X GIOVANNA GRONDA CONTO 12478/11 CREDITO ITALIANO AGENZIA 18 MILANO / ITALY

## درود پر شور و افتخار بر زندانیان سیاسی

# دژ خیمه انقلاب توده‌ای

## در جنوب و جنوب شرقی آسیا

تا امروز ارزش اسلحه‌ای که دارو دسته مؤثر روزیونیتسهای شوروی به ارتش ارتجاعی اندونزی تحویل داده بر ۱/۴ میلیارد دلار بالغ میشود و این مقدار خیلی بیش از اسلحه تحویلی است که به آمریکا به ارتش مذکور است. بطوریکه تکلیف کردیده ۱۰ درصد جهازات جنگی اندونزی و نیمی از دستگاه های نیروی هوایی وی ساخت شوروی است. هواپیماها و تیپخانه ای که مترجمان اندونزی در لشکرکشی های ضد انقلابی "محصار" و "اصحاح" بر ضد نیروهای مسلح توده ای در کالیپاتان غنسی و سایر نقاط یگامیرند اکثر آنرا از زرادخانه روزیونیتسهای شوروی بدست میآید. در شش ماهه دوم سال ۱۹۶۸ مقامات ارتشی مترجم اندونزی بمنظور سرکوب نیروهای مسلح تودما در کالیپاتانهای آن کشور تحت عنوان "تمرین پیاده نظام طراز نوین" دست بمحلیات زدند و سلاح هایی را که در این عملیات بکار بردند از دو جانب یعنی از امپریالیسم آمریکا و روزیونیتس شوروی گرفته بودند.

بعلاوه بمنظور آنکه از اسلحه دارو دسته مؤثر روزیونیتسهای شوروی بطور مؤثر استفاده شود آنها "کارشناسان نظامی" به اندونزی اعزام داشتند تا امر "رهبری فنی" را در نزد مترجمان اندونزی برعهده گیرند. همچنین دارو دسته مذکور آموزش عده زیادی از کادرهای نظامی اندونزی را مجاناً در اتحاد شوروی تقبل کردن آنها بعداً در خدمت ملیتاریست های فاشیست سوهارتو به سرکوب نیروهای مسلح توده ای پیوسته دارند. دارو دسته مذکور کار را بجائی رسانید که چندین بار هیئت های نظامی به خطوط اول کارزار ضد انقلابی "محصار" و "اصحاح" که رژیم فاشیستی اندونزی بر ضد نیروهای مسلح توده ای برپا میکند کسبل داشت. این نظامیان شوروی به مترجمان اندونزی توصیه هایی کردند و کوشیدند که روحیه آنها را بالا ببرند. مجله ژاپنی موسوم به "بررسی امور نظامی" چنین افشا میکند: "واحد های ضد پارتیزانی رژیم سوهارتو در اتحاد شوروی تعلیمات دیده اند... افسران عالی رتبه نیروهای مسلح شوروی به جاوه شرقی رفتند تا به عملیات کفیری بر ضد واحد های پارتیزانی پشتیبانی برسانند."

در ژوئیه گذشته هنگامی که رژیم ملیتاریست فاشیست اندونزی نیروهای مسلح به اسلحه شوروی را برای "پاک کردن" نیروهای مسلح توده ای جساوه شرقی تمرکز میداد دارو دسته مؤثر روزیونیتسهای شوروی به امضای "مقاله نامه هائی" یا رژیم مذکور مبادرت جست که بموجب آنها صلت پرداخت اقساط سلاح های ساخت شوروی تمدید گردید. باین طریق دارو دسته مؤثر روزیونیتسهای شوروی از سرکوب جناپنگاران نیروهای مسلح توده ای که بدست رژیم سوهارتو عملی میشد مجسده نشد پشتیبانی کرد.

\*\*\*

از ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۷ روزیونیتسهای شوروی اسلحه ای به مبلغ ۹۰۰ میلیون دلار به مترجمان هند تحویل دادند و در این کار از کلیه کشورهای که باین مترجمان اسلحه میدهند جلوتر افتادند. روزیونیتسهای شوروی نه فقط جدیدترین اسلحه را که هنوز امپریالیستهای آمریکائی هم به مترجمان هند نداده اند در اختیار آنها می گذارند بلکه مترجمان مذکور را در ساختن کارخانه های هواپیما سازی و اجرای سایر طرح ها بمنظور تهدید همسایگان هند و خفه کردن مبارزه انقلابی خلق هند یاری میسازند.

\*\*\*

در سالهای اخیر دارو دسته مؤثر روزیونیتسهای شوروی همکاری خود را بر عرصه نظامی با دولت مترجم بیرونی برسر کردگی نه وین توسعه داده و جنایات عده پدای بر علیه نیروهای مسلح توده ای بیرونی که از ۲۰ سال پیش قهرمان

نانه میجنگد مرتکب شده است. بطوری که مطبوعات غنسی خبر میدهند دارو دسته مذکور در اواخر سال ۱۹۶۷ مخفیانه "هیئت عالی نظامی" به رانگسوم اعزام داشته تا درباره "امکان کمک بیشتر روسیه" به رژیم ارتجاعی نه وین محرمات مذاکره بعمل آورند و مذاکره مذکور بیش از یک ماه بطول انجام شده است. کاسیکین در نامه ای که به رژیم ارتجاعی نه وین نگاشت تضمین کرد که از او "پشتیبانی کامل" خواهد کرد و اندکی بعد مقامی عظیمی از اسلحه شوروی به رانگسوم سرازیر شد تا رژیم ارتجاعی نه وین بتواند نیروهای مسلح توده ای را کشتار کند.

\*\*\*

در ماه مه اسامال دارو دسته مؤثر روزیونیتسهای شوروی رزاق معاون نخست وزیر حکومت پشالی مالزی را بشیرانه سه مسکو دعوت کرد و با او "کک نظامی" بمنظور سرکوب مبارزه انقلابی مسلحانه خلقهای مالزی و کالیپاتان شمالی را وعده داد. دارو دسته مؤثر روزیونیتسهای شوروی که به مترجمان در سرکوب نیروهای مسلح توده ای یاری میسازند سرانجام نتیجه دیگری جز ترغیب توسعه نبرد مسلحانه توده های در کلیه کشورها و ترمیم سقوط مترجمان بدست نخواهد آورد. دستاوردخواهانه و سبک سرانه تزارهای جدید کرسلان در جنوب شرقی آسیا ماهیت زشت و مغرور سوسیال امپریالیستی آنها را به همه خلقهای این منطقه نشان داده است. توده های وسیع دریافته اند که "دوستی با کلیه خلقها" که مایه تظاهر تزارهای جدید کرسلان است و "پشتیبانی از نیروهای شرقی کلیه کشورها"، "سوسیالیسم" که تزارهای جدید کرسلان بدان لاف میزنند چیز دیگری جز بندوبست با مترجمان کلیه کشورها، چیز پشتیبانی از شنی از مردمان و خیانتداران به طبقه کارگر، جز ماهیت سوسیال امپریالیسم نیست. وضعی که نقاب از چهره مردمان روزیونیتس شوروی برداشته میشود مشاهده میگردد که آنها دستیاران شماره یک امپریالیسم آمریکا و دژ خیمه انقلاب توده ای در جنوب شرقی آسیا هستند.

"پکن انفرماسیون" شماره ۲۰ سال ۱۹۶۹

دو سیمیه بقیه از ص ۱ میتوانست سرگردان ارتجاع در خاورمیانه باشد؟ سابقاً محمد رضاشاه با طرح اتحاد امارت نشینان خلیج فارس که از طرفی ملکیفیل به پیش کشیده میشد مخالفت میوزید زیرا که طرح مذکور تمام با قیادت پادشاه سعودی بود. ولی اینک که بندوبستهای نهانی با امپریالیسم آمریکا و روزیونیتس شوروی و امرای خلیج فارس صورت گرفته است محمد رضاشاه همین طرح را در مقیاس وسیعتر بقیامت خود مطرح میکند. روزیونیتسهای ایرانی در تشریح سیاست محمد رضاشاه همعا از دسایس امپریالیسم آمریکا صحبت میدارند اما نایبهای روزیونیتس شوروی را در همحال در پرده میکشاند. یکسال پیش، در فردای سانترت گاسکین با ایران، روزنامه لوموند در مورد قضایای خلیج فارس چنین نوشت: "اظهار اطلاع میشود که نخستوزیر شوروی در هفته گذشته در موقع دیدار ایران نسبت به موضع گیریهای ایران اظهار علاقه ای کرد، اگرچه اعلامیه صادره در این موضوع ساکت بوده است. حتماً مسکو خواسته است کشورهای عربی دوست خود را ناراحت نکند." (لوموند ۱-۵ آوریل ۱۹۶۸)

این نمونه‌ای از سیاست دورویانه و مترجم پرور روزیونیتسهای شوروی است.

در هر صورت، خوبی دیده میشود که خطوط اصلی طرح محمد رضاشاه بدست امپریالیستهای آمریکائی و روزیونیتسهای شوروی ترسیم شده است. "امنیت جمعی در آسیا" و طرح پیمان نظامی کشورهای خلیج هر دو "فرزند یک شک" اند. هر دو زاییده

### روزیونیتسها و راه قهرآمیز بقیه از ص ۱

امروز تجربه گون یاریس، انقلاب شوروی، انقلاب چین و غیره در برابر ماست. نه فقط این انقلابها بلکه انقلابهای بزرگ بورژوازی نیز ثابت میکنند که طبقات حاکمه را علی الاصول جز با قهر نمیتوان سرنگون کرد و حزب طبقه کارگر اگر واقعا خواهان ریزیونیتس خلق است یا به خود را برای راه غیر سلامت آمیز انقلاب آماده کرد اند. تجربه تاریخ معاصر شورما و بویژه سالهای پس از شهریور ۱۳۲۰ مؤید این حقیقت است. لنین میگفت: "شمار ما باید تسلیح بیرونتاریا برای پیروزی بر پیروزی سلب مالکیت از آن و خلق سلاح آن باشد. این یگانه تاکتیک مسلحانه انقلابی و تاکتیکی است که از تکامل عینی میلیتاریسم سرمایه داری ناشی شده و معمول این تکامل است" (منتخبات فارسی جلد اول قسمت ۲ ص ۶۸۸)

توفان که راه غیر سلامت آمیز انقلاب ایران را تبلیغ میکند از تکامل عینی میلیتاریسم سرمایه داری امپریالیستی و ارتجاع محمد رضاشاهی الهام میگردد نه از "لنین پرستی پوچ". آنچه این راه را جلوی پای خلق ایران میگذارد "لنین پرستی پوچ" نیست، بیورش ارتجاعی سال ۱۳۲۵ است، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است، سرکوب دانشانه جنبش خرداد ماه ۱۳۴۳ است، توسعه روزافزون نیروهای مسلح ایران است، اسلحه فروشی امپریالیستها و روزیونیتسها به رژیم کودتا است، پشتیبانی امپریالیستها و روزیونیتسها از محمد رضاشاه است.

اگر توفان هوادار جنگ انقلابی توده‌های برهمنی طبقه نارکر است این اعتقاد را نه بر "لنین پرستی پوچ" بلکه بر تجارب جنبش انقلابی جهان و واقعیت جامعه ایران مبتنی میسازد. تجربه پیروزی عده انقلاب ایران یعنی دهقانان، مأمین رهبری طبقه کارگر، وارد آوردن نخستین ضربه در روستا که نقطه ضعف ارتجاع است، تجزیه نیروهای دشمن که در لحظه گونی دارای تفوق است و نابود ساختن جز به جز آنها - تاکتیکی است که با واقعیت جامعه ایران میخواند، تاکتیکی است که اندیشه داهیان مارکسیستی - لنینیستی مائوسه دن ساخته و پرده خفته تاشکی است که تجربه انقلاب چین و یک سلسله از کشورها نظیر ایران بر صحت آن صحه گذاشته است.

بگذار روزیونیتسها توفان را بیاد طعنه بگیرند که گویا همه در اروپا بل در ایران، نه در عرصه مطبوعات بل در صحنه روستا قد علم کرده است و نه ظلم در یک بل تفنگ بدست مشغول مبارزه است. این تنها روزیونیتسها نیستند که بر صف شونی مارکسیست - لنینیست ها طعنه میزنند و تلویحا قدرت ارتجاع را میستایند و توده ها را از آن میترسانند. این گونه طعنهها فقط شوجه توفان نیست بلکه توجه کلیه کسانی است که در ظلمت جانناکه ارتجاع و استبداد آرزوی "تسخیر آسیاها" را در سر پروراند و یا میپوراندند. توفان راه خود را برگزیده است بر دشواریهای این راه و بر سوسه های اهرمین، بر دستبرد غولان راهزن، آگاه است ولی توفان به توانایی درونی بیبرهای کاغذی به توانایی بیگران خلق به نیروی طفرخش مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوسه دن ایمان دارد.

پیوند بسا توده ها بهیچ از ص ۱ (اصحاح) یا حتی ایجاد حزب طبقه کارگر میسراند در واقع وجود حزب را نفی میکنند. معلوم نیست بدون حزب، حزبی که دارای برنامه و اساسنامه مشخص باشد، حزبی که بتواند در جریان مبارزه رهنمود ها و شعارهای درستی ارائه دهد، در هر صورت تصمیمات صحیح و متناسبی بگیرد، چگونه میتوان در مقیاس کشور، در میان توده ها بکار برداخت، آنها را بسیج کرد، تشنگ ساخت و مبارزه کشانید. چنین چیزی فقط پند ارواهی است و فقط پدر آن میخورد که حزب طبقه کارگر احیا، نشود و وضع نا باعمان مبارزات میهن ما بهمین صورت گونی باقی بماند.

حال یک آن این نکته را بید بریم که پیوند بقیه در ص ۳ سازش امپریالیسم آمریکا و روزیونیتس شوروی هستند. هدف هر دو استبداد در برابر امواج کومپرسر نهضت انقلابی جهسانی است.

# گسترش و پیروزی انقلاب و ایستاده بوجود حزب انقلابی پرولتری است

# توفان

## فهرده از جعل و تحریف

در نوبه مقاله "حقایق را انکار نکنید" که در شماره پیشین روزنامه توفان درج شد اینک خلاصه یکی از مهم ترین مطالب واصله در این زمینه از نظر خوانندگان گرامی میگردد.

... اپوزیسیونهای چپ و همپایان اپوزیسیونهای حزب توده ایران به سازمان ما میبازند تا شاید کشتی توفان زده خویش را بساحل نجات برسانند. آنها از تحریف حقایق مارکسیسم لنینیسم و از دست بردن در نقل قول از رساله "روزیونیسم در تئوری و عمل" پاک ندارند. سازمان توفان در شماره ۱۹ دوره سوم خود بدستی اظهار داشت که اینان صادق نیستند. حالامابه جزوهای این گروه تحت نام "وحدت اصولی" منتشر ساختهاند مراجعه میکنیم تا نشان دهیم که آنها چگونه عبارتی از رساله "روزیونیسم در تئوری و عمل" را تحریف کردهاند تا سازمان توفان را مورد اتهام قرار دهند.

اپوزیسیونهای چپ برای آنکه نظریه صحیح سازمان توفان را بیطرفانه کنند چنین عبارتی را از رساله "روزیونیسم" نقل کردهاند: "چنگ انقلابی برحسب تصاریف در کشورهای رومی داده و پیروز شده که شرایط اجتماعی آنها بشورما شهادت زیادی دارد" و فراتر نتیجه گرفتهاند که سازمان توفان وقوسو چنگ انقلابی را امری تصادفی میدانند و آنگاه در بسط این اتهام داد سخن دادهاند.

حالا به جزوه "روزیونیسم" مراجعه میکنیم و میبینیم که کلمه تصاریف در آنجا در کیهو گذاشته شده زیرا که در طمننوردن به روزیونیستها که ضرورت جنگ توده‌های را انکار میکنند بکار رفته است نه در تأیید تصادفی بودن جنگ انقلابی. در جزوه چنین گفته میشود: "در کشورهای چین و کره و ویتنام شمالی و کوبا، الجزیره و اکون ویتنام جنوبی انقلاب نه در شکل قیام مسلح بلکه در شکل جنگ انقلابی طولانی به پیروزی انجام پیراتیک جنگ انقلابی طولانی در چین امکان داد که تئوری جنگ انقلابی تدوین شود و بر کجبه مارکسیسم - لنینیسم افزوده کرد" (ص ۹۱).

اپوزیسیونتها با حذف کیهو و جدا کردن یک عبارت از متن مطلب به تحریفی چنین تفراتنگیز دست زده‌اند. آنها باین کار ادا به داده "از رساله" روزیونیسم" چنین نقل کرده‌اند:

"آنچه که مطرح است تاشیک مبارزه در حال حاضر و در شرایط مشخص ایران است. آنچه که در آینده پیش میآید نمیتواند ملاک تاشیک مبارزه امروز قرار گیرد. اگر در آینده وضعی پیش آید که تفسیر تاشیک مبارزه را ایجاد کند آنگاه میتوان تاشیک مبارزه را تغییر داد. در حال حاضر و در شرایط مشخص ایران راه مبارزه راه قهر آمیز و شکل آن نیز جنگ انقلابی است"

با رساله "روزیونیسم" مراجعه میکنیم. در آنجا در مناظره با روزیونیستهای حزب توده ایران که انقلاب را فقط در صورت پیش آمدن وضع انقلابی "مدن میباشند و آنگاه میگویند در وضع انقلابی "بنا بر آموزش لنین باید قیام مسلح کرد گفته شده است که "آنچه که در آینده ممکن است پیش آید نمیتواند ملاک تاشیک مبارزه امروز قرار گیرد. ... اگر در آینده وضعی پیش آید که ... اپوزیسیونتها این عبارت را اولاً از متن مناظره خارج کرده و ثانیاً از صورت احتمال بصورت یقین در آورده‌اند تا شاید در مورد اعتقاد سازمان توفان ببلوزم جنگ انقلابی شکی ایجاد کنند.

جمل و تحریف با اینها پایان نمیپذیرد. این تازه مشتقی از خروار است. هر آن قماش کزین کار که برون آید تمام نقش فریب است و بود و نایست اپوزیسیونتها چپ در جای دیگری به تحریف بقیه درص ۳

# پیوند با توده‌ها



نیز حزب علت وجودی خود را از دست میدهد و راه انعطاف و زوال می بیند. لنین میفرماید: "ما میان توده ملت هرچه باشد نظریه را در ریاضتیم و ما فقط وقتی میتوانیم مدبر باشیم که آنچه را که خلق حتی یکدک صحه بیان کنیم. بدون این، حزب کمونیست، پرولتاریا را و پرولتاریا توده‌ها را از پی خویش نشوایند برد". (سائل لنینیسم ترجمه فارسی صفحه ۲۳۱)

حزب طبقه کارگر هرگاه با توده‌ها پیوندی وسیع داشته باشد و بر آنها تکیه زند، توده‌ها نیز حزب طبقه کارگر را اعتماد کنند و آنرا از آن خود بدانند. آنگاه حزب قادر است رهنمودهای سیاسی خود را بدستی تعیین کند، به آنها جامعه عمل بپوشاند، اشتباهات و خطاهای خود را در بیاورد و به اصلاح آنها بپردازد و انقلاب را کام بکام به پیروزی رهنمون شود.

این نکته مسلمی است. اما این نکته هم مسلم است که نه پیوند وسیع و عمیق با توده‌ها بیکبار دست میدهد و توده‌ها بیکبار حزب طبقه کارگر اعتماد پیدا میکنند. برای آنکه توده‌ها حزب را از آن خود بدانند و مورد اعتماد قرار دهند آنها باید با تجربه در بیاوند که حزب واقعاً از منافع و حقوق آنها بطوری گیر دفاع میکند و هر تصمیم یا عمل حزب انعکاسی از خواست آنها است آنگاه و تنها آنگاه توده‌ها تصمیمات حزب را از آن خود میمانند و آنها را از جان و دل بورد اجرا میکنند و آنگاه و تنها آنگاه کسار حزب خصلت توده‌های می باید.

اما حزب پیش از آنکه چنین مرحله‌عالی از تکامل خود برسد، برای آنکه کارش خصلت توده‌های پیدا کند باید بیسان توده‌ها برود و در درون توده‌ها بکار بپردازد. کار توده‌های مستلزم کار مداوم و طولانی در میان توده‌هاست. تکامل تمام احزاب کمونیست، نام احزابی که توانستند در توده‌ها نفوذ و قدرت کلاسی بیابند بر این منوال بوده است. احزاب کمونیست که پیش از نخستین جنگ جهانی پیدا آمدند، تنها در جریان سالها مبارزه و در جریان سالها دفاع از منافع و حقوق توده‌های زمینکن توانستند، از پیشانی توده‌ها برخوردار گردند. وضع احزاب مارکسیست - لنینیست نیز در اوضاع و احوال کونی بر این نهج است. آنها در اغلب کشورهای، اکنون میکوشند با کاری گیر و خستگی ناپذیر برخورد توده‌ها را از زیر نفوذ روزیونیسم بیرون کنند و بر راه مبارزه انقلابی سوق دهند. بعنوان مثال حزب کمونیست سوئیس (مارکسیست - لنینیست) فرانسه هم اکنون در آغاز ایمن مرحله است. ره کارزار دبیر این حزب که خود کارگر فولزکاری است در هفته نامه "هومانیتیه سوخ" چنین میگوید: "تا هنگامیکه ما یک پیشاهنگ انقلابی پرولتری بیکر در اختیار نداریم، ما توفهمیکه توده‌ها ما را باز نشناخته و بیاطمینان پیشاهنگ جدید طبقه کارگر نیز برشته اند ما حکومیم به اینکه بر خلاف جهت شما کنیم". آیا از اینکه حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) فرانسه هنوز پیوند عمیق و وسیعی با توده‌های کارگر ندارد و توده‌ها این حزب را باز نشناخته میتوان نتیجه گرفت که این حزب و حزب طبقه کارگر فرانسه نیست؟ وضع سایر احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست نیز چنین است. تکامل سازمان ما، تکامل حزبی که از آن بر خواهد خاست، جز این نتواند بود.

نخست باید حزبی وجود آید که با سیک کار و سیاستی صحیح در میان توده‌ها بکار بپردازد و با کار مداوم و بی غیر خود در دفاع از حقوق و منافع خلق، بتدریج جای خسور را در میان توده‌ها بگشاید تا آنها پیوند خود را با این حزب بخشد و بتدریج از اعتماد و پشتیبانی توده‌ها برخوردار گردند. اینست شیوه صحیح نیل به پیوند با توده‌ها. اینست شیوه‌ای که تمام احزاب مارکسیست - لنینیست برگزیده‌اند و اینست شیوه‌ای که حزب طبقه کارگر ایران بر خواهد گزید. بدون حزب صحیح از پیوند با توده‌ها سختی بپورده و بی حاصل است. گمانیکه پیوند با توده‌ها را شرط لازم برای بقیه درص ۲

"چگونه میتوان برای حزبی که توده‌های غیر حزبی ماسور تصفیه و اصلاح آن هستند، نام سازمان سیاسی پیشاهنگ طبقه کارگر قابل کردید؟ چگونه میتوان از چنین سازمانی توقع رهبری سیاسی توده‌های حزبی را داشت؟" (مجلسه، دنیاسال هشتم شماره ۲ صفحه ۳۲)

اینست نظر یکی از گردانندگان روزیونیست و اپوزیونیست حزب توده ایران در باره مساببات میان حزب طبقه کارگر و توده‌های وسیع خلق. آیا واقعاً توده‌های مردم حق دارند هرگاه ارگان رهبری یا یک مسئول حزبی متکبانه سنگینی شد، یا آنگاه اساساً از سیاست و راه حزب طبقه کارگر، از ماخلق انحراف جست، به انتقاد از آن ارگان یا مسئول بپردازند و اصلاح سیاست حزب را خواستار گردند؟ نظر روزیونیستها بصراحت در فوق ذکر شده است. اما مارکسیست - لنینیستها به این سؤال پاسخ مثبت میدهند: چرا؟

نخست اینکه حزب طبقه کارگر و سازمانهای آن وظیفه دارند توده‌های مردم را در تحقق آرمانهای طبقه کارگر راه آزاد سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی رهنمون شوند. حزب کس در پیشانی توده‌ها کار بر میدارد در واقع سرنوشته آنها را در دست میگیرد و توده‌ها نیز که به حزب اعتماد میکنند سرنوشته خود را به آن میسازند. حال اگر این پیشاهنگ از راه منحرف شود و به بیراهه قدم نهد، در هر مقامی که این انحراف صورت گیرد، آیا توده‌های مردم حق ندارند صدای به انتقاد از پیشاهنگ بلند کنند و او را به بازگشت براه راست دعوت نمایند؟ نفی حق توده‌ها در انتقاد از حزب و مطالبه اصلاح اشتباه آن، در واقع نفی حق توده‌ها در تعیین سرنوشته خویش است. اینست که حزب باید بر این خواست مطلق توده‌ها پاسخ مثبت دهد و برگردد از توده‌ها جدا مانده و کاری از پیش نیند برد.

کافی نیست خویش خود را پیشاهنگ بنامد برای آنکه توده آنرا بشناسد پیشاهنگ پذیرفته و بدینال آن روان گردد. برای آنکه توده‌ها حزبی را از آن خود بدانند و رهبری وی را بپذیرند، این حزب باید در عمل و نه تنها در حرف نقیص پیشاهنگ بازی کند و توده‌ها با تجربه خویش در بیاوند که چنین حزبی شایسته رهبری است. مسلماً چنین حزبی که به توده‌ها تکیه دارد، از انتقاد توده‌ها بهرمانی آونند و اگر انتقاد توده‌ها بورد و بوقوع است در صدر اصلاح کار خود برمیآید و حتی در صورت لزوم از تصفیه، نیز پاک نندارد. انتقاد توده‌های مردم از سیاست، تاشیک و فعالیت روزمره حزب دال بر آن است که آنها حزب را از آن خسور میمانند و واقعاً در جستجوی اصلاح خطاها و کجرویهای آن هستند.

دیگر آنکه حزب کمونیست و کمونیستها در برابر طبقه کارگر و خلق میبایست خویش، در برابر طبقه کارگر جهان مسئولیت بترارند و همین مسئولیت به توده‌ها حق میدهد که حزب را بمناسبت اعمال نادرستش مورد بازخواست قرار دهند. این حق مشروعی است. هرآن حزبی که چنین حقی را برسمیت نشناسد در واقع مسئولیت خویش را در قبال توده‌ها نفی کرده است. وضع روزیونیستهای حزب توده ایران چنین است.

مارکسیسم - لنینیسم توده‌های مردم را آفریننده تاریخی و سرچشمه لیازال آنچنان نیرویی میداند که با تکیه بر آنها میتوان کوه را جابجا کرد و هرمنگی را از پیش برداشت و به دستاوردهای عظیم در کلیه زمینه‌ها نائل آمد. مارکسیست - لنینیستها در باره توده‌های مردم چنین میمانند و بدان عمل میکنند:

حزب طبقه کارگر و پیوند با توده‌ها در مقوله تفکیک ناپذیرند. بدون وجود حزب توده‌ها در مبارزه با دشمن طبقاتی دچار سردرگمی میشوند، از تشخیص راه و رسم مبارزه ناتوان میمانند و نیز در آنها هر قدر شجاعت و قهرماناناسته باشد سرانجام به شکست خواهد انجامید. تجربه قیام خونین خرداد ۱۳۴۲ هنوز در خاطر ما زنده است. بدون توده‌ها